

بستر سازی برای «دعوی آب»!



دوچند عظیم‌نیا

دبیر گروه اقتصادی

بازوی پژوهشی مجلس اخیراً در گزارشی درباره «جنبه‌های مختلف طرح‌های کلان شیرین‌سازی و انتقال آب دریا» روزه تازه‌ای را برای جدل در سیاست آب کشور گشوده است و در حالی‌ترکیب جدیدی از موضوع شیرین‌سازی و انتقال آب دریا ارائه می‌کند که نتیجه آن فروکاهش و عقیم‌سازی طرح‌های کلان انتقال آب به مراکز صنعتی و معدنی فلات مرکزی و مهم‌تر از آن گرداندن سیاست آب کشورمان به سمت راه‌اندازی «بازار آب» و معامله حق انتفاع آب میان مصرف‌کنندگان است. آنچه با عنوان بازار آب مطرح می‌شود، در عمل می‌تواند تبدیل به «بازار فروش مواجهه» (وضعیت چالش برانگیز در بازار) و دلالتی حقابه‌ها شود و طبعاً خروجی آن تشدید تناقضی مصارف و انتقال ثروت از مردم عادی به بازیگران درشت اقتصادی خواهد بود.

این گزارش در تحلیل خود، با تأکید بر صرفه اقتصادی بازار آب، معتقد است با ایجاد سازو کارهای بازار محور می‌توان منابع محدود را بهینه‌تر تخصیص داد، اما این نگاه صرفاً اقتصادی به مسئله‌ای که لایه‌های اجتماعی، زیست محیطی و حتی امنیتی دارد، بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های بومی و محلی، خطری جدی برای توازن زیست‌محیطی کشور خواهد بود. حقابه‌داران، در واقع کشاورزان سنتی، عشایر و بهره‌برداران خردی هستند که بر اساس قرن‌ها تعامل پایدار با طبیعت، حق بهره‌برداری از منابع آبی را دارند. پیوستگی این حقابه‌ها با یافت اجتماعی و معیشتی جوامع محلی انکارناپذیر است. حالا این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چه نهادی و با کدام مشروعیت قانونی و عرفی، قرار است نقش «واسطه» برای انتقال این حقوق به صنایع و مصارف پرمصرف جدید را ایفا کند؟ چه کسی پاسخگوی تبعات اجتماعی و نارضایتی‌های مردمی ناشی از چنین معاملات کلانی خواهد بود؟

این ادعا که در شرایط فعلی، طرح‌های شیرین‌سازی و انتقال آب به داخل کشور، نه از نظر اقتصادی مقرون به صرفه هستند و نه به لحاظ محیط‌زیستی پایدار، نیازمند ارائه راهکارهای جایگزین عملیاتی است. پاسخ‌گویی بی‌توجهی به نیازهای واقعی مناطق مرکزی کشورمان، که سال‌هاست در انتظار پروژه‌های آب‌رسانی مانده‌اند، به نوعی کنار کشیدن مسئولیت دولت از تأمین زیرساخت‌های حیاتی کشور و واگذاری حل بحران آب به سازوکارهای بازاری است که از همین الان روشن است به سود شرکت‌های بزرگ و به زیان مردم تمام می‌شود. این ابهام نیازمند توضیح است در شرایطی که مناطق ساحلی کشور خود با تنش آبی روبرو هستند و زیرساخت‌های بهره‌برداری پایدار از آب دریا نیز در مراحل ابتدایی است. چطور می‌توان ادعا کرد بازار از پاسخگوی نیاز فلات مرکزی خواهد بود؟ آیا فروش حقابه‌ها به صنایع، مسئله کم‌آبی را حل می‌کند یا صرفاً یک بحران اجتماعی- اقتصادی جدید خلق خواهد کرد؟

اگر قرار باشد بازار آب به شیوه‌ای که در این گزارش مطرح شده است، اجرا شود، باید بپرسیم چه نهادی مسئول نظارت بر عدالت در دسترسی به آب خواهد بود؟ چه تضمینی وجود دارد که این بازار به رانت و انحصار حدهای خاص بدل نشود؟ آیا تجارب ناکام خصوصی‌سازی‌ها و بازارهای کاذبی در سایر حوزه‌ها برای عبرت گرفتن کافی نبوده است؟ مسئله آنست که فروش راه‌حل‌های یکپارچه و برنامه‌های متوازن توسعه است. نسخه واحد و بازاری که از پشت میز و در غیاب گفت‌وگو با ذی‌نفعان محلی پیچیده شود، نه تنها به حل بحران کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند منشأ تنش‌های اجتماعی و حتی امنیتی جدید شود. اقلیم خشک و نیمه‌خشک کشورمان با تنوع بالای جغرافیایی و اجتماعی‌اش، ظرفیت پذیرش چنین الگوهای ساده‌انگارانه‌ای را ندارد.

از نسوی دیگر، به چالش کشیدن طرح‌های شیرین‌سازی و انتقال آب، بدون ارائه راه‌حل جایگزین عملیاتی، به نوعی می‌تواند به تعویق انداختن حل مسئله و انداختن توپ در زمین دولت‌های بعدی تعبیر شود. در حالی که در بسیاری از کشورها (از جمله کشورهای همسایه جنوبی ایران، پروژه‌های شیرین‌سازی و انتقال آب، بخشی مهمی از امنیت آب را تأمین می‌کند و فناوری‌های نوین هزینه‌های آن را کاهش داده‌اند. سیاستگذار باید بداند که مردم نشنه سخنرانی و گزارش‌های فنی نیستند، آنها نیازمند راه‌حل‌های ملموس و قابل اجرا هستند. اگر انتقال آب از دریا به دل کویر امکانپذیر نیست، راه‌حل جایگزین چیست؟ آیا بازار آب قرار است کمبود آب در دشت‌های بحرانی کشورمان را حل کند یا فقط نقش دلال میان مصرف‌کنندگان کوچک و غول‌های صنعتی را ایفا کند؟

نادیده‌گرفتن ایزارهای مدیریتی نوین آب مثل دیپلماسی آب، مدیریت تقاضا، باز چرخانی فاضلاب و توسعه فناوری‌های بومی بهره‌برداری بهینه، در گزارش‌های تحلیلی، اعتبار آن را مخدوش می‌کند، چرا یک‌باره از سیاست‌های دولتی به مکانیسم‌های صرفاً بازاری جهش کرده است؟ و از همه مهم‌تر، تبعات اجتماعی، اقتصادی و امنیتی اجرای چنین سیاست‌هایی را چه کسی قرار است بپذیرد؟ راه‌حل مسئله آب، نیازمند نگاه عمیق به ظرفیت‌های محلی، استفاده از دانش بومی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و البته تدوین یک برنامه جامع ملی است. نمی‌توان نسخه‌ای واحد برای کل کشور پیچید و نمی‌توان مردم را به حال خود وا گذاشت تا در بازاری ناعادلانه، آب را نیز مانند کالاهای دیگر با قیمت‌هایی گزاف خرید و فروش کنند.

هر جا دولت‌ها مسئولیت‌های زیرساختی خود را به بازار واگذار کرده‌اند، اقصار ضعیف‌تر جامعه اولین قربانیان آن سیاست شده‌اند. آب کالایی نیست که بتوان با آن همچون نفت و فولاد در بازار چانه‌زنی کرد. آب، حق حیات است و حقابه‌داران ایرانی، میراث‌داران تمدنی هستند که قرن‌ها با قناعت و سازگاری با طبیعت زندگی کرده‌اند. آیا در پایتخت صدای آنها شنیده می‌شود؟ ایده «بازار آب» در شرایط فعلی کشورمان بیش از آنکه به دنبال حل بحران کم‌آبی باشد، بستری برای شکل‌گیری رانت‌ها و منافع خاص برخی گروه‌هاست. تجربه خصوصی‌سازی‌های بی‌ضابطه در دهه‌های اخیر به‌وضوح نشان داده است بدون زیرساخت‌های نظارتی قوی و بدون شفافیت کامل، هر بازاری در ایران، دیر یا زود به تیول گروه‌های خاص و انحصارگر بدل خواهد شد. آب نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در چنین بازاری، دارندگان سرمایه و نفوذ، خریدار اصلی حقابه‌ها خواهند بود و کشاورزان خرد، عشایر و جوامع محلی تنها فروشنده‌های ناچار. این یعنی انتقال آب از فقیر به غنی، از روستا به

صنعت و از زمین‌های کشاورزی به برج‌های فولاد و پتروشیمی. در

این میان، کسی هم پاسخگو نخواهد بود که چگونه منابع حیاتی که

ملت، در قالب معاملات کاذبی، به دست گروهی خاص منتقل شده

است. مراکز پژوهشی حتماً می‌دانند حکمرانی آب در کشورمان،

نیازمند اصلاح شیوه‌های مصرف، بازنگری در سیاست‌های تولید و

نیز تعریف یک الگوی توسعه متوازن و اقلیم‌محور است، توسعه‌ای

که در آن، انتقال آب، تنها بخشی از پازل بزرگ تأمین امنیت

آبی کشور است، نه کل آن. اگر از پشت میزهای راحت در تهران،

نسخه‌های واحد برای مدیریت آب کشور نوشته شود، نتیجه‌اش

چیزی جز گسترش تعارضات اجتماعی، افزایش شکاف‌های سانی

منطقه‌ای و در نهایت بحران‌های امنیتی نخواهد بود. آب مسئله‌ای

نیست که بشود با ایزار بازار حلش کرد، آب را باید با حکمرانی خوب

و مشارکت مردم مدیریت کرد.

بحران آب و کاهش تولید برنج در سایه ناهماهنگی‌های اجرایی!

آقای وزیر «کمبود بودجه» را به مردم حواله نکند

در حالی که تولید برنج ۳۰۰هزار تن کاهش یافته و کشت در ۱۳ استان متوقف شده است، وزارت جهاد کشاورزی به جای عرضه راهکار، از تخصیص نیافتن بودجه برای آبیاری نوین گلایه می‌کند؛ گلایه‌ای که نه گرهی از کار کشاورزان باز می‌کند و نه برای مردم پلو می‌شود!

در کیلوگرم افزایش یابد. برای اجرای آبیاری نوین ۲/۳میلیون هکتار اراضی، ۱۷۵هزارمیلیارد تومان بودجه نیاز است اما تاکنون فقط ۷هزارمیلیارد تومان تخصیص یافته که یکی از چالش‌های جدی بخش کشاورزی است. اگر امنیت غذایی و حفظ محیط زیست اهمیت دارد، باید روی مصرف بهینه آب سرمایه‌گذاری کنیم. براساس تحقیقات وزارت جهاد گونه‌های گیاهان کم‌آب‌بر شناسایی شده است اما در نهایت باید آب بدون برنی با بیشترین بهره‌وری به پای این گیاهان برسد، پیامدسازی آبیاری نوین برای کشور هزینه دارد و باید منابع مالی آن تأمین شود.

■ ۴۴درصد مطالبات گندمکاران پرداخت شد وزیر جهاد کشاورزی از خرید بیش از ۷/۲میلیون تن گندم در فصل زراعی جاری خبر داد و اعلام کرد: از مجموع حدود ۱۵۰هزارمیلیارد تومان بهای گندم خریداری شده، تاکنون ۶۵هزارمیلیارد تومان معادل ۴۴درصد پرداخت شده و ۸۳هزارمیلیارد تومان دیگر باقی‌مانده که در دست پیگیری است.

نوری قزلبچه افزود: پرداخت‌ها بر اساس زمان تحویل گندم انجام شده و تاکنون برای گندم‌های تحویلی در فروردین ۱۰۰درصد، اردیبهشت ۹۰درصد، خرداد ۷۵درصد و تیرماه ۵۰درصد مطالبات واریز شده است. وی تأکید کرد: اطلاعات کشاورزان طی ۴۸ ساعت به سازمان هدفمندی یارانه‌ها ارسال می‌شود و کشاورزان نباید نگرانی بابت دریافت مطالبات خود داشته باشند. وی با اشاره به کاهش ۴۰درصدی بارندگی نسبت به سال گذشته، از پیش‌بینی افت ۲۵ تا ۳۰درصدی تولید گندم در سال جاری خبر داد.

او گفت: با توجه به نیاز سالانه ۱۱ میلیون تن گندم در کشور، از زمستان گذشته واردات برای جبران کسری آغاز و بخش مهمی از آن وارد کشور شده است. نوری قزلبچه در پایان بر لزوم همکاری دستگاه‌هایی مانند وزارت نیرو، صمت، بانک مرکزی و دیگر نهادها برای تأمین امنیت غذایی تأکید کرد و گفت: آینده کشاورزی کشور با تکیه بر دانش بومی، حمایت دولت، تلاش کشاورزان و حضور جوانان پژوهشگر روشن است. اگر امنیت معیشت کشاورزان حفظ شود، کشاورزی ایران همچنان ستون امنیت غذایی و اقتدار اقتصادی خواهد ماند.



فاطمه میراحمدی | مهر

آن پیازکاران کرمانی و جیرفتی است که در اواخر فروردین ماه محصول پیاز روی دست‌شان ماند. وی می‌گوید: در مورد پیاز، در یک منطقه خاص الگوی کشت برای تولید ۴۰۰هزار تن در ۱۳هزار هکتار زمین داشتیم. فرمانداری و مدیران جهاد استان در جلسات متعدد با بهره‌داران کشاورزی این موضوع را مطرح کرده بودند اما متأسفانه کشاورزان اهمیتی ندادند و در ۲۳هزار هکتار زمین حدود یک‌میلیون تن پیاز تولید کردند. در آن زمان صادرات هم رونقی نداشت. با اینکه وزارت جهاد تعرفه صادرات را صفر کرد، فقط توانستند ۲۵هزار تن صادر کنند. به رغم تأکیدات جهاد استان، پیازکاران تصور می‌کردند با روش‌های سنتی گذشته می‌توانند سود بالایی داشته باشند.

وی خواستار اصلاح قانون برای اجرای مؤثرتر الگوی کشت شد و افزود: اطلاع‌رسانی لازم انجام شده است، اما بدون ضمانت اجرایی، تخلفات ادامه دارد.

■ چالش بهره‌وری آب و ضرورت آبیاری نوین وزیر جهاد کشاورزی بهره‌وری فعلی آب را بین ۱/۳ تا ۱/۴کیلوگرم محصول به‌ازای هر مترمکعب عنوان کرد و افزود: هدف‌گذاری شده است که این میزان به

■ ضمانت اجرایی اصلاح الگوی کشت ضعیف است نوری قزلبچه در پاسخ به سؤالی درباره اصلاح الگوی کشت یادآور شد: متناسب با شرایط و وضعیتی که داریم باید برنج کشت شود. بیشتر برنج ما در استان‌های شمالی کشت می‌شود. قانون تکلیف کرده است که این امر را با شرایط جدید تطبیق دهیم. امسال تکمیل‌ترین الگوی کشت را به همه استان‌ها اعلام می‌کنیم و برش‌های استانی و شهری تعیین می‌شود. به روستاها الگوی کشت را اعلام می‌کنیم. این الگو را طبق نیاز داخلی تنظیم می‌کنیم. در گزارش اشکالاتی داریم و کشاورزان هنوز این امر را مورد عنایت ۱۰۰درصدی قرار نداده‌اند.

وزیر جهاد کشاورزی معتقد است ضمانت اجرایی کم، کارهای تحقیقاتی خوبی روی برنج شروع کردیم. همکاری خوبی با شرک‌تهای دانش‌بنیان داخلی داشتیم و احتمالاً همکاری خوب بین‌المللی در این حوزه خواهیم داشت تا دانشمان را افزایش دهیم. قیمت برنج وارداتی مشکلی نداشت، برنج وارداتی شمول ارز ترجیحی و قیمت‌گذاری است که آن هم از ۶هزار تومان تا ۱۰هزار تومان عرصه می‌شود. کسری را از طریق واردات جبران می‌کنیم.

تولید برنج ایرانی و در نتیجه افزایش قیمت‌ها دانست و افزود: آمار تولید محصولات کشاورزی در حال پیش روی دولت است که این روزها در صدر اخبار رسانه‌ها قرار گرفته است. وزیر جهاد کشاورزی با تأیید مصرف بالای آب در بخش کشاورزی، از پیاده‌سازی اصلاح الگوی کشت و کاهش تولید برخی محصولات کشاورزی خبر داد و پیاده‌سازی آبیاری نوین به منظور کاهش مصرف آب در این بخش را به تخصیص اعتبارات و منابع مالی وابسته دانست.

غلامرضا نوری قزلبچه با حضور در یک برنامه تلویزیونی از کمبود اعتبارات برای مدیریت و کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی سخن گفت، در حالی که مخاطب این اظهارات مردم و بهره‌برداران بخش کشاورزی نیستند و این انتقاد باید در جلسات هیئت دولت مطرح و برای آن چاره‌جویی شود.

وی در پاسخ به سؤالی در خصوص دلیل افزایش قیمت برنج در نیمه نخست امسال، به اشتباهات آماری وزارت‌خانه تحت مدیریتش و واردات اندک برنج خارجی در تابستان گذشته اشاره نکرد.

محدودیت منابع آبی، تأمین امنیت غذایی و خودکفایی در تولید محصولات کشاورزی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دولت است که این روزها در صدر اخبار رسانه‌ها قرار گرفته است. وزیر جهاد کشاورزی با تأیید مصرف بالای آب در بخش کشاورزی، از پیاده‌سازی اصلاح الگوی کشت و کاهش تولید برخی محصولات کشاورزی خبر داد و پیاده‌سازی آبیاری نوین به منظور کاهش مصرف آب در این بخش را به تخصیص اعتبارات و منابع مالی وابسته دانست.

غلامرضا نوری قزلبچه با حضور در یک برنامه تلویزیونی از کمبود اعتبارات برای مدیریت و کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی سخن گفت، در حالی که مخاطب این اظهارات مردم و بهره‌برداران بخش کشاورزی نیستند و این انتقاد باید در جلسات هیئت دولت مطرح و برای آن چاره‌جویی شود.

وی در پاسخ به سؤالی در خصوص دلیل افزایش قیمت برنج در نیمه نخست امسال، به اشتباهات آماری وزارت‌خانه تحت مدیریتش و واردات اندک برنج خارجی در تابستان گذشته اشاره نکرد.

نوری قزلبچه اجرایی الگوی کشت را دلیل کاهش

«معیشت مردم» خط قرمز اقتصاد دولت باشد

تصمیمات اقتصادی، خواه در سست و خواه غلط، بدون توضیح شفاف و ا قناع افکار عمومی به سرعت بدل به جریانی ضداقتصاد می‌شوند. این روزها معیشت مردم به پیچیده‌ترین دغدغه روزمره بدل شده و دولت ناگزیر است به همان اندازه که برای اصلاح ساختارهای اقتصادی برنامه‌ریزی می‌کند، برای تبیین و پیوست معیشتی آنها نیز زمان و انرژی صرف کند. بی‌توجهی به این پیوست، سیاست‌های اقتصادی را به تیغ دولبه‌ای بدل می‌کند که نه تنها نمراد در سفره مردم نمی‌نشانند، بلکه موجی از بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به ساختار تصمیم‌گیری‌ها را در جامعه تزریق خواهد کرد.

■ ■ ■

معیشت مردم در هر جامعه‌ای، بستر آرامش روانی و اجتماعی آن است. هر گاه این بستر دچار تلاطم شد، حتی بهترین برنامه‌ها و تصمیمات کلان اقتصادی هم در ذهن جامعه با بدبینی و تردید نگر بسته خواهد شد. در ماه‌های اخیر، گرچه دولت تلاش‌هایی برای مهار تورم، تأمین کالاهای اساسی و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی داشته است، اما آنچه در کف بازار و درک عمومی مردم به چشم می‌آید، چیزی جز التهاب قیمتی و بی‌ثباتی نیست.

پیوست معیشتی یعنی هر تصمیم اقتصادی، از کوچک‌ترین تغییر در تعرفه واردات گرفته تا بزرگ‌ترین اصلاحات در نظام بانکی و مالیاتی، باید تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم آن بر زندگی روزمره مردم به دقت بررسی و مدیریت شود. این پیوست، نه یک ضمیمه تشریفاتی، بلکه بخش جدانشدنی فرایند سیاست‌گذاری اقتصادی است، اما متأسفانه در بسیاری از تصمیمات یک سال اخیر یا پیوست معیشتی به درستی تدوین نشده یا اگر بوده، در مرحله اجرا و اطلاع‌رسانی نادیده گرفته شده است. ضعف اطلاع‌رسانی دقیقاً از همین نقطه آسیب‌زا می‌شود. جامعه‌ای که در جریان اهداف و ضرورت‌ها و پیامدهای یک تصمیم اقتصادی قرار نگیرد، نسبت به آن تصمیم واکنش منفی و احساسی نشان خواهد داد.

وقتی قیمت کالای اساسی افزایش می‌یابد، حتی اگر این افزایش ناشی از شرایط بین‌المللی و بحران‌های خارج از اختیار دولت باشد، در ذهن مردم، مسئولیت آن مستقیماً به سیاستگذاران داخلی نسبت داده می‌شود، در حالی که یک اطلاع‌رسانی شفاف و منظم می‌توانست جلوی این بدبینی را بگیرد. دولت در یک سال اخیر، به رغم داشتن برنامه‌های مهمی در حوزه رفح ناترازی‌ها، مقابله با بحران آب، اصلاح نظام بانکی و کاهش وابستگی به ارزهای خارجی، نتوانسته از تباطی سازنده و اقناعی با مردم برقرار کند. نتیجه این ضعف ارتباطی، شکل‌گیری فضایی مبهم و بی‌اعتماد در جامعه نسبت به آینده اقتصادی کشور است.

مردم بیش از آنکه منتظر آمارهای رشد اقتصادی یا کاهش تراز تجاری باشند، انتظار دارند نتیجه این آمارها را در سبد خرید روزانه خود احساس کنند. هر سیاستی که این حس ملموس را در کوتاه‌مدت ایجاد نکند، نیازمند توضیح و اقناع منطقی و باورپذیر برای جامعه است. پیوست معیشتی در اصل تلاشی است برای اینکه فاصله میان «تصمیم در اتاق بسته» و «تأثیر در زندگی مردم» به حداقل برسد. اگر این حلقه گمشده ترمیم نشود، حتی بهترین تصمیمات نیز در هیاهوی بی‌اعتمادی عمومی، بی‌اثر خواهد شد.

در این میان رسانه‌های نقش کلیدی دارند. اما رسانه‌های زمانی می‌توانند این نقش را ایفا کنند که خودشان از سیاستگذاران اطلاعات درست، شفاف و بموقع دریافت کنند. ناهماهنگی میان دولت و رسانه‌ها در موضوعات اقتصادی، یکی از دلایل اصلی عدم اقناع افکار عمومی در مواجهه با تحولات قیمتی است. صداسیمیا و رسانه‌های رسمی زمانی می‌توانند در جلب اعتماد عمومی مؤثر باشند که به ابزارهای شفاف‌سازی واقعی و آمارهای دقیق دسترسی داشته باشند. نکته دیگر آنکه، در دنیای امروز، اطلاع‌رسانی اقتصادی صرفاً به معنای ارائه آمار و نمودار نیست. مردم نیازمند شنیدن روایت‌هایی انسانی، ملموس و واقعی از تأثیر سیاست‌ها بر معیشت روزمره خود هستند. بیانیه‌های رسمی و جدول خشک آماری نمی‌توانند این نیاز را تباطی را پاسخ دهند. دولت باید زبان اقتصاد مردمی را فرا بگیرد و در این مسیر از ابزارهای نوین ارتباطی و روایت‌های رسانه‌ای خلاقانه بهره‌برد.

در شرایطی که تحولات جهانی، اقتصاد کشور را در تنگنای جدی قرار داده، ارتباط شفاف

و پیوسته با مردم، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت حیاتی است. اگر دولت بتواند در این

مسیر گام‌های عملی و مستمر بردارد، نه تنها در مدیریت انتظارات توموی موفق‌تر خواهد بود،

بلکه سرمایه اجتماعی خود را نیز تقویت خواهد کرد، اما اگر روند کنونی ضعف اطلاع‌رسانی

و فقدان پیوست معیشتی ادامه یابد، شکاف میان دولت و مردم عمیق‌تر و اجرای هر گونه

سیاست اقتصادی با دشواری‌های جدی مواجه خواهد شد.

همراه اول

Mobile Communications of Iran

در اپلیکیشن همراه من

لطفاً اسکن کنید